



فرمان تاریخی شاہنشاہ آریامہ



پرویشکامہ علوم انسانی ومطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی

در شماره پیش وعده کردیم که درباره دوفرمان تاریخی شاهنشاه آریامهر که عکس متون آن دونیز زیب بخش نخستین شماره مجله بود، بطور مشروح گفتگو کنیم. اینک در باره فرمان تاریخی شاهنشاه مبتنی بر حفاظت آثار ملی و تاریخی مقاله‌ای از دانشمند عالیقدر آقای سید محمدتقی مصطفوی که سالها مدیریت کل اداره باستان شناسی را بعهده داشته اند و با داشتن تألیفات متعدد، خود از صاحب نظران باستان شناسی و آثار تاریخی ایرانند، در این شماره از نظر خوانندگان میگذرد و ما در شماره‌های آینده باز درباره این فرمان مهم و تاریخی شاهنشاه آریامهر گفتگو خواهیم کرد.

بررسی های تاریخی

حمایت معنوی
شاهنشاه آریامهر
از آثار باستانی ایران

بقلم

سید محمد تقی مصطفوی

کار نیک رفتگان نیکو بدار
تسا بماند نام نیکت پایدار
روز ۲۹ آبانماه ۱۳۴۴ شاهنشاه آریامهر
فرمان مخصوصی موشح فرمودند که مبین
توجه روز افزون ذات مبارک شاهانه نسبت
به آثار باستانی و ابنیه تاریخی و یادگارهای
فرهنگی و هنری گذشته میهن عزیز ماست و
طی آن عنایت خاص ملوکانه شامل حال
اینگونه آثار گردیده و برنامه حفاظت آثار
باستانی ایران و سازمانی که امور اجرایی
آنها مستقیماً بر عهده خواهد داشت تحت
ریاست عالی شاهنشاه معظم له قرار گرفته
است.

اگر کمی در این فرمان همایون غور و
بررسی کنیم بنخوبی درمی یابیم که آثار و
ابنیه تاریخی ایران حقاً و واقعاً درخور
چنین افتخار و مزیتی هست و شاهکارهای
بی بدل یا کم نظیر گذشتگان این مرز و بوم
که بطور کلی بر اثر همت و کوشش و
دلبستگی شهریان پیشین ایران زمین

بوجود آمده است شایستگی آنرا دارد که هم اکنون نیز مورد مهر و دلپستگی صاحب سریر سلطنت و ندا دهنده آوازه سرافرازی ملك و ملت ایران باشد. يك نگاه اجمالی به مهمترین و برجسته‌ترین مفاخر هنری میهن عزیز ما بخوبی نشان میدهد که آنچه طی هزاران سال بصورت مظاهر تمدن درخشان این مرز و بوم گرامی بوجود آمده و اکنون قسمتهائی از آن پایدار و پدیدار مانده است عموماً در پرتو هنردوستی و هنرپروری نامجویانه پادشاهان سلف ایجاد گردیده است و میتوان بعنوان گواه روشن این مدعا، ابنیه و آثار زیر را نام برد :

معبد عظیم چوغا زنبیل در خوزستان از آثار اوتاشکال شهریار عیلام (یعنی سرزمین خوزستان و قسمتهائی از فارس و لرستان کنونی) مربوط به حدود ۱۲۵۰ سال پیش از میلاد مسیح.

نقوش برجسته کول فره یا کول فرعون - شکفت سلمان - شاه سوار خونگ نوروزی یا خونگ اژدر در مال امیر خاگ خوزستان (ناحیه بختیاری) مربوط به شاهان عیلامی در هزاره‌های سوم و اول پیش از میلاد مسیح. **تپه هگمتانه** در همدان مربوط به شهریاران ماد و هخامنشی (قرن هفتم تا قرن چهارم پیش از میلاد).

ویرانه‌ها و بقایای کاخهای مختلف و صفة مادر سلیمان و مشهد مادر سلیمان در مشهد مرغاب فارس، **پارسا سار** یا **پارس گده** از آثار کورش کبیر مربوط به قرن ششم پیش از میلاد (آثاری هم از خشایارشا در کاوشهای اخیر آنجا بدست آمده است).

نقوش برجسته و سنگ نبشته‌های میخی در کوه بیستون از داریوش بزرگ. **تخت جمشید** یعنی شاهکار جهانی تمدن باستانی و نقش رستم در مرودشت فارس یادگار داریوش بزرگ و فرزندش **خشایارشا** و جانشینان ایشان مربوط بقرن ششم و پنجم پیش از میلاد.

بقایای کاخ هخامنشی نزدیک آبادی سروان (سرون) در ناحیه فهلیان (خاک ممسنی فارس) از آثار شاهنشاهان هخامنشی (قرن پنجم پیش از میلاد).

مصحح

اساسنامه سازمان ملی حفاظت آثار باستانی ایران

ماده اول - سازمان ملی حفاظت آثار باستانی ایران تحت حمایت و ریاست عالی شاهنشاهی
در اجراء برنامه خاصی که از طرف وزارت فرهنگ و هنر منظور جلب توجه افکار عمومی بضرورت و اهمیت حفظ بناهای
تاریخی و آثار باستانی و جلب مساعدت و معاضدت همه افراد کشور با مقامات دولتی استفاذه از امکانات
همکاریهای بین المللی جهت تسهیل این منظور تنظیم شده با آن وزارتخانه اشترک مساعی خواهد کرد .

ماده دوم - سازمان ملی حفاظت آثار باستانی ایران که از این پس در این اساسنامه سازمان
نامیده خواهد شد برای انجام وظایف خود دارای سه رکن اصلی بنام شورای عالی - شورای اجرایی
و مدیر عامل خواهد بود .
« شورای عالی »

ماده سوم - شورای عالی روش اساسی سازمان را در حدود قوانین و مقررات مملکتی تعیین میکند
و بر اساس آن ارشاد و پیشنهاد های شورای اجرایی و مدیر عامل درباره اقدامات گذشته و آینده آنها
در زمینه اجراء برنامه تأمین عواید و نحوه مصارف اظهار نظر و انبهای لازم خواهد کرد .

عکس صفحه اول اساسنامه که بتوشیح شاهنشاه آریامهر رسیده است

آثار مختلف فیروز آباد فارس مشتمل بر کاخ و آتشکده و ویرانه های باستانی شهر گور و مناره و نقوش برجسته مهم و متعدد که همگی این آثار یادگارهای اردشیر بابکان و مربوط به نیمه اول قرن سوم میلادی است.

ویرانه های شهر بیضاپور در محل معروف به شاپور نزدیک کازرون مشتمل بر بقایای کاخهای بسیار بزرگ و آتشکده بس عالی و ممتاز از آثار شاپور اول مربوط به نیمه دوم قرن سوم میلادی، پل دختر در لرستان و پل عظیم و بند قیصر در شوشتر و بقایای پل باستانی دزفول و پایه پل از همان شهریار و ایوان کرخه از یادگارهای شاپور دوم (ذوالا کتاف) در خوزستان.

نقوش برجسته نقش رستم و نقش رجب و تنگ چوگان و کوه پهنا در خاک فارس مشتمل بر صحنه های نیل به شاهنشاهی شهریاران مختلف ساسانی و پیروزیهای ایشان.

نقوش برجسته ساسانی نزدیک کوهسار خان تختی شاهپور آذربایجان مربوط به اردشیر بابکان و فرزندش شاپور اول.

آثار طاق بستان کرمانشاهان مربوط به شاپور دوم و اردشیر دوم (برادر شاپور دوم) و شاپور سوم (فرزند شاپور دوم) و خسرو پرویز شاهنشاهان ساسانی (قرن چهارم تا اوایل قرن ششم میلادی).

بنای منحصر بفرد گنبد قابوس بنام شمس اله عالی قابوس از شهریاران آل زیار مورخ به سال ۳۷۵ هجری شمسی و ۳۹۷ هجری قمری.

برجهای رسگت و لاجیم درمازندران مورخ به سال ۴۰۰ و ۴۱۳ هجری که هر دوی آنها از لحاظ تاریخ معماری ایران و دارا بودن کتیبه های پهلوی و کوفی حائز اهمیت فراوان و مربوط به شهریاران باوندی است.

گنبد های آجری باشکوه و معظم عهد سلجوقی که به انواع تزئینات آجرکاری و گچبری و نوشته های کوفی و نسخ آراسته است در مساجد جمعه اصفهان - اردستان - زواره - گلپایگان - قزوین - قم - و سایر نقاط ایران بنام سلطان ملک شاه سلجوقی و سلطان محمد فرزند او مربوط بقرن پنجم و آغاز قرن ششم هجری.

آستانه های متبرک بسیار بزرگ حضرت رضا و حضرت معصومه شاه چراغ و حضرت عبدالعظیم شاه نعمت الله ولی شاهزاده حسین (ع) و نظائر آنها که همگی مشتمل بر آثار نفیس فراوان از شاهان و خاندان های سلطنتی و دیگر بزرگواران این کشور است.

خانقاهها و آرامگاههای متعدد که بوسیله پادشاهان یا وزراء و فرمانروایان ایران بنام خودشان یا جهت شخصیت های روحانی و عرفانی ساخته شده عموم آنها مشتمل بر نفیس ترین نمونه های هنری کاشیکاری و آجرکاری و گچبری و مقرنس سازی و منبت کاری و خطوط شیوای کوفی و نسخ و غیره است و هر کدام بحق و واقع شاهکار هنرهای معماری بشمار میرود.

بازارها و کاروانسراها و میدانها و حمامها و پلهادها و اینگونه ابنیه عام المنفعه که مستقیماً به همت شهریاران نیکوکار یا فرمان ایشان بوسیله بزرگان و نامداران این سرزمین ساخته شده است از قبیل بند امیر در مرودشت فارس، پل دختر در آذربایجان، میدان نقش جهان و بازارهای اطراف آن و قیصریه و پلهای سی و سه چشمه و خواجو در اصفهان، میدان و بازار و کاروانسرا و حمام گنجعلیخان در کرمان، میدان شاه در یزد - پل خان در مرودشت فارس، بازار و حمام و کیل در شیراز.

مساجد معظم و مدارس دینی بزرگ قدیمی مانند مسجد جامع کرمان، مسجد جامع یزد، مسجد شاه و مسجد جامع گوهر شاد در مشهد، مسجد کمبود تبریز، مسجد شیخ لطف الله و مسجد شاه اصفهان، مدرسه چهار باغ اصفهان، مسجد و کیل در شیراز و نظائر این گونه آثار

کاخها و باغهای سلطنتی از دورانهای صفوی و نادرشاه افشار کریمخان زند و عهد قاجاریه مشتمل بر چهلستون و عالی قابو و تالار اشرف و تالار تیموری و هشت بهشت در اصفهان - چهلستون و عالی قابوی قزوین - باغشاه فین کاشان و کاخ خورشید در کلات نادری - باغ نظر و عمارت کلاه فرنگی (موزه پارس) و باغ جهان نما و ارگ شیراز و بقایای ابنیه سلطنتی دیگر و کیل در آن شهر - تخت مرمر و کلیه ابنیه سلطنتی کاخ گلستان (خلوت کریمخانی) -

تالار موزه سلطنتی - تالار عاج - تالار برلیان - شمس‌العماره - کاخ بادگیر
- تالار الماس - کاخ ابيض و سایر ابنیه کاخ گلستان (در طهران - کاخ
صاحبقرانیه در نیاوران - عمارت حوضخانه و برج خوابگاه و تالار آئینه
در سلطنت آباد .

بدیهی است که شماره آثار تاریخی ایران با وجود همه ویرانیها و آسیبهای
وارد به آنها و غفلتها و بی‌خبریهای گذشته بیش از آنست که حتی ذکر نام
آنها در يك مقاله و چند صفحه میسر باشد و آنچه در بالا اشاره شد تنها مهمترین
یادگارهای سلطنتی ایرانست که تا کنون بر پا و پایدار مانده و البته نفائس
هنری بسیاری از آنها هم از بین رفته است .

بیمورد نمیدانند یاد آورد شود که هر چند در ادوار گذشته گاهگاه برخی
شاهان و بزرگان آثار و ابنیه گرانقدر پیش از زمان خود را تاحدی گرامی
داشته برای تعمیر و حفظ آنها کوششهایی بخرج داده اند لکن در مقام مقایسه
با تباهیها و ویرانیهایی که بر نفائس تاریخی ایران اعم از مساجد و کاخها
و ابنیه مختلف یا اشیاء عتیقه منقول گوناگون و همچنین مراکز تمدنهای
پیشین و اماکن باستانی طی قرون متمادی گذشته است ، کوشش و علاقه به
نگاهداری و پاس حرمت این آثار در سابق بس ناچیز بوده فصل درخشانی
را تشکیل نمیدهد سهل است موجب شرمساری و آزردهی خاطر هر عنصر
علاقه‌مند به یادگارهای ملی و فرهنگی این آب و خاک را فراهم میسازد .

هنوز از روزگاری که نقوش تخت جمشید هدف تیراندازی مردم بیابانی
بوده و کاخهای دوران صفویه اصفهان مورد دستم غیر قابل جبران و ویرانی و انهدام
قطعی قرار گرفته است کمتر از عمر طبیعی يك نسل فرزندان ایران میگردد و گرچه
این‌گونه اقدامات، درقبال پائین بودن سطح اطلاع و آشنائی عمومی مردم ایران به
قد و منزلت چنین آثار، اهمیت کمتری را حائز میباشد ولی حقا بانهدمت همه
جانبه‌ای که در راه آبادانی ایران عزیز بوجود آمده و توجه جهانیان بر اثر
کوششها و فداکاریها و ابتکارات دنیا پسند شاهنشاه آریامهر باین سرزمین
که نسل جلب گردیده است دیگر بی اطلاع ماندن از مقام و مرتبت آثار

تاریخی و ندانم‌کاری نسبت بطرز رفتار در باره آنها نکته‌ای نیست که بتوان از آن غافل ماند.

شخصیتهای مهم و دانشمند و جهانگردان آشنابه اهمیت معنوی و مادی و بناهای تاریخی که بسیاری از ایشان آثار باستانی کشورهای دیگر خصوصاً دره نیل و یونان و روم را دیده‌اند، هنگامیکه بایران می‌آیند و مشاهده میکنند که آثار معظم تخت جمشید دستخوش بی‌سلیقگی‌های دوزیشان غیر قابل توصیف آن قرار گرفته است یا میدان‌نقش جهان با پایه‌های بلند چراغهای برق و تصرفات ناروای دیگر وضع نامناسبی یافته، لطمه جبران ناپذیری به عظمت و معنویت مسجدشاه و سایر ابنیه اطراف آن وارد می‌آورد یا خیابان عالی قاپوی قزوین که اثر زیبایی از قرن دهم و یازدهم هجری است و با مختصر توجه میتواند منظر عالی منحصری با داشتن سردر عالی قاپو در انتهای شمالی آن پیدا کند، بر اثر نصب ردیف پایه‌های نامانوس چراغ در وسط آن بوضعی ناهنجار درآمده است یا نزدیک مسجد کبود تبریز که گوهر تابانی از هنر اصیل کاشیکاری ایران بشمار میرود برجها و دیگهای کارخانه برق خود نمائی میکند یا به‌موازات مناره عهد سلجوقی در یکی از شهرهای تاریخی دیگر برج آب سر به آسمان افراشته است. و نظائر اینگونه کارهای ناشیانه را بمینند چنین احساس میکنند که ما برای رعایت زیبایی و تناسب هم‌آهنگی یادگارهای عزیز تاریخی خود نیازمند تذکر و راهنماییهای زیاد هستیم.

شادروان محمد علی فروغی (ذکاء الملک) پس از بازدید آثار اصفهان و تخت جمشید، ضمن سخنرانی خود حدود چهل سال پیش (روز پنجشنبه ۲۸ اردیبهشتماه ۱۳۰۶) در جلسه‌ای که بدعوت انجمن آثار ملی انعقاد یافته بود چه‌نیکی گفته است که «... حقیقتاً این مسئله برای من معماست که ایرانی دارای آن ذوق و حس است و این قسم آثار را ایجاد میکند چگونه است که این اندازه در قدردانی نسبت به آنها کوتاهی دارد...»

با توجه به نکات معروض در بالا که بجرأت باید گفت مشتکی از خروار

میتواند بود ارزش عنایت ذات مبارک شاهانه به آثار ملی و نتایج مترتب بر آن، چه از لحاظ اصل منظور و هدف که نیکوداشت یادگارهای هنر و تدارینخ ایران باشد و چه از نظر تاثیر و انعکاس آن در دنیای دانش نزد خودی و بیگانه و بالاخره جنبه معنوی آن که شایسته مقام ایران در جهان فضیلت است، بر مردم صاحب نظر و صاحب اندیشه بهتر معلوم و هویدا خواهد بود و امیدواری فراوان نسبت به آینده درخشان مفاخر گذشته این مرزوبوم را چندبرابر مینماید.

زننه و پاینده باد شاهنشاه آریا مهر و کشور باستانی او سر زمین عزیز ایران و مفاخر جاودانی آن .

پایان



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی